

# اسلام نوین تمدن به سوی

علی کمیلی

«دفتر تبلیغات اسلامی از نظر من نماد روشنفکری حوزه است.» وقتی رهبری این جمله را فرمودند احتمالاً برای برخی گران تمام شد اما با این سخن ثقل جریان روشنفکری دینی در حوزه‌های علمیه بیش از پیش در اذهان عموم مشخص شد. معرفی مرکز پژوهش علاوه بر شناخت دقیق تر این مرکز تجمع نخبگان حوزوی، از این نظر نیز قابل توجه است که بزرگ‌ترین مرکز تحقیقات اسلامی کشور محسوب می‌شود و فعالیتهای گسترده‌ای در زمینه پژوهشهای علوم دینی دارد. موفق شدیم با حجت‌الاسلام سبحانی، مسئول این پژوهشگاه و مسئول پیشین مرکز پژوهشهای اسلامی صداوسیما هم‌صحبت شویم و ایشان نیز با گرمی پذیرای سوالات ما شد. آنهایی که سبحانی را می‌شناسند خوشفکری را صفت بارز او می‌دانند. حجت‌الاسلام و المسلمین محمد تقی سبحانی معاون پژوهش دفتر تبلیغات اسلامی و رئیس پژوهشگاه این دفتر در این گفت‌وگو نکاتی محوری را تذکر داده است که بعضی در حوزه آسیب‌شناسی و برخی در زمینه راهکارها و چشم انداز حرکت آینده است.

در هرسورت علاقمندان به مباحث «جنبش نرم‌افزاری» از خواندن این گفت‌وگو نسبتاً مفصل خسته نخواهند شد.

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام محمدتقی سبحانی معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم و مسئول پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

کشور، در مجموعه دفتر تبلیغات اسلامی حوزه، محسوب می‌شود؛ هم به لحاظ تنوع موضوعات، هم به لحاظ تعداد محققان و پژوهشگران، هم به لحاظ تعداد پروژه‌های در دست اجرا و هم به دلیل توجه به پروژه‌های کلان و ملی که غالباً مؤسسات به طور عادی به سراغ این گونه پروژه‌ها نمی‌روند و اینک هشت پروژه در این سطح در این پژوهشگاه در حال انجام است.

ملاک انتخاب پژوهشها و اولویتهای تحقیقات شما چیست و نیازسنجی را بر چه اساسی انجام می‌دهید؟

در ارتباط با اینکه ساز و کار انتخاب ما چیست باید بگویم ما دقیقاً ساز و کاری را که در یک پژوهشگاه علمی اتفاق می‌افتد پیش‌بینی کرده‌ایم. یعنی هر سال سیاستهای کلان پژوهشی توسط هیئت امنای دفتر، تنظیم و ابلاغ می‌شود که مشخص می‌کند رویکرد ما در جذب پروژه‌ها چیست. این سیاستها در پژوهشگاهها و شورای هر گروه متناسب با تخصص آنها پیشنهاداتی را مطرح می‌کند که در شورای پژوهشی پژوهشگاه، بررسی، حکم و اصلاح می‌شود و نهایتاً در شورای عالی پژوهش دفتر به تصویب می‌رسد. اما به لحاظ عرصه نیاز، آنچه که امروز در عرصه پژوهش دینی و علوم انسانی متداول است تکیه بر یک سری اطلاعات و آمارهای موجود است که آنها را مورد توجه قرار می‌دهیم مثلاً به اینکه چه نوع سؤالاتی در جامعه مطرح است توجه داریم. ما خود یک حوزه ارتباطی با مردم داریم و این از مزایای نسبی ماست که از طریق تبلیغ و مرکز پاسخ به سؤالات و شبهات، تعامل نزدیکی با مردم داشته باشیم. همین طور به آمار و اطلاعاتی که از ناحیه سازمانها منتشر می‌شود و بر ذهنیت کارشناسان نخبه مجموعه‌های پژوهشی تکیه می‌کنیم. البته برخی از پروژه‌های ما مستقیماً دستور مقام معظم رهبری بوده‌اند، چون این سازمان زیر نظر ایشان است و برخی خطها

در حوزه علوم انسانی و مطالعات دینی کمتر شاهد پژوهشگاههای فعال، جدی و گسترده، خصوصاً در حوزه‌ها، بودهایم. لطفاً در مورد تاریخچه، روند شکل‌گیری و اهداف پژوهشگاه توضیح دهید.

حوزه پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی شاید اولین مرکز پژوهشی فعال پس از انقلاب است که حدوداً از سال ۶۱ کار خود را آغاز کرده و هدف آن نیز، به تبعیت از هدف کلی دفتر تبلیغات، تأمین خدایات فکری فرهنگی پس از انقلاب و پشتیبانی فکری نظام بوده است به همین دلیل در طول زمان، بنا بر اقتضات زمانی و شرایط فرهنگی سیاسی موجود، به یک حوزه فکری وارد شده و به تدریج این حوزه‌ها توسعه پیدا کرده است. سپس این مرکز به سمت رسمیت‌بخشی در قالب پژوهشگاههای رسمی یا گروههای علمی رفته است تا آنها را تثبیت کند. در سال ۱۳۷۶، اقدام جدی‌ای برای سازماندهی مجموعه پژوهشی دفتر شروع شد و سیزده مؤسسه یا واحد پژوهشی که تا آن موقع تأسیس شده بودند در قالب یک پژوهشگاه جامع درآمدند. در سالهای اخیر علاوه بر انسجام یا رسمیت‌بخشی به بخشهای موجود، به تأسیس بخشهایی که نسبت به آنها احساس خلأ می‌کردیم نیز پرداخته‌ایم؛ مثلاً حوزه اخلاق و تربیت اسلامی که تا کنون کار جدی علمی در حوزه‌ها درباره آن صورت نگرفته شروع به کار کرد، حوزه مطالعات کاربردی روان‌شناختی که کار جدی در آن صورت گرفته بود و همچنین یک حوزه مهم دیگر که مطالعات اجتماعی کاربردی است نیز راه‌اندازی شد. در حال حاضر ما به سمتی می‌رویم که برای مطالعات پیمایشی، فرهنگ‌سنجی و نظرسنجی مرکزی راه‌اندازی کنیم. در این مسیر کمبودها و نواقصی بود که به تدریج برطرف شد و آنچه امروز در اختیار ماست شاید بتوان گفت «بزرگ‌ترین مرکز تحقیقات اسلامی در سطح



را خود ایشان می دهند که مثلاً در فلان زمینه‌ها کار شود. با مسئولان نظام هم دیدارهای مستمری وجود دارد که بعضاً پیشنهاداتی را می دهند و در دستور کار قرار می گیرد. امسال برای قاعده مند کردن این حرکت کار مهمی را شروع کرده‌ایم به این معنا که نامه‌ای را به همه مسئولان نظام می‌دانستیم موضوعاتی برای پیشنهاد دارند فرستادیم و فراخوان کردیم که مؤسسه‌ای هستیم با این ابعاد و امکان آن را داریم که از سایر مؤسسات هم کمک بگیریم؛ شما موضوعات و نیازهایتان را به ما اعلام کنید. در حال حاضر تیمی در حال پیگیری این کار است. در روند دیگری با شخصیتها و نخبگان علمی مصاحبه می‌کنیم. همچنین تیمی را برای آسیب‌شناسی و بررسی موضوعات پیشنهادی در حوزه‌های کلان پژوهش و گردآوری نیازهای موجود تدارک دیدیم. در نهایت ما به یک برنامه جامع پژوهش نزدیک می‌شویم که باید در شش ماه اول سال آینده به تصویب برسد. برنامه‌ای پیش‌بینی کردیم تا بر اساس یک مدل بتوانیم سرفصل موضوعات پنج شش ساله‌مان را بر اساس همه مبادی که تعریف کرده‌ایم به راحتی عرضه کنیم. چنین برنامه‌ای را پیش‌بینی کردیم تا مورد نقد قرار بگیرد و پیشنهادات تکمیلی ارائه شود تا نهایتاً یک برنامه جامع به دست بیاید.

### همکاری ارگانهای دیگر خصوصاً در فضای جدید با شما چگونه بوده است؟

در فضای جدید احتمال دارد تغییراتی ایجاد بشود اما به طور کلی مسئولان اجرایی نظام به دلایل مختلف با حوزه پژوهش میانه‌ای ندارند. یکی از دلایل، اشتغالات فراوان اجرایی است. سیستم مدیریتی جمهوری، مدیریت عملیات است نه مدیریت راهبری لذا توجه به مقوله‌های نرم‌افزاری و زیرساختی وجود ندارد. مسئله دوم مسئله سازمانهای ماست. ما در بخش سازمانهای اجرایی مان، برای بازشناسی نیازها، مسائل خود و برنامه‌ریزی آینده کمترین هزینه را صرف می‌کنیم و طبیعی است تا ساختار مناسبی در یک سازمان برای این کار نباشد نمی‌تواند با حوزه پژوهش تعامل کند پس ما به یک معنا می‌توانیم ادعا کنیم واقعا در سازمانهای ما نظام نیازهای تعریف شده وجود ندارد. مشکل دیگر اینکه اساساً این تصور پیش آمده که رفتن به سمت تعامل با حوزه پژوهش مستلزم کسب کار و ایجاد موانع فراوان است و مدیران اجرایی ترجیح می‌دهند با همان تصمیم‌سازهای درون‌سیستمی خود به یک جمع‌بندی برسند. از طرف دیگر، هیچ‌گونه نظارتی هم وجود ندارد، یعنی مدیری که بر اساس تحقیقات کار می‌کند با مدیری که بر اساس سلیقه شخصی یا کارشناسی داخلی تصمیم می‌گیرد در نظام ما تفاوتی ندارند! به علاوه پدیده‌ای هم، خصوصاً در دهه گذشته، ایجاد

شده که طی آن همه مراکز اجرایی به سمت ایجاد مراکز پژوهشی در داخل ارگان خودشان حرکت کرده‌اند. حداقل در نهادهای اجرایی فرهنگی به تجربه نشان داده شده که این مراکز با توفیق روبه‌رو نبوده‌اند. شاید یک ارضای کاذب در سازمان ایجاد شد که ما خودمان مرکز پژوهشی داریم ولی عملاً تأثیری نداشت و به هر حال فضای تعامل فضای خوبی نیست ولی تلاش ما در راینه‌هایی که کرده‌ایم بر آن بوده است که این شرایط بهبود یابد. من به آینده این تعامل خوش‌بین هستم.

### از آنجا که یک بانک اطلاعات پژوهشی جامع در کشور وجود ندارد، شما برای جلوگیری از انجام کارهای تحقیقاتی موازی یا تکراری چه کرده‌اید؟

طبعاً ما نمی‌توانیم بانک اطلاعات جامعی را ایجاد کنیم، اگرچه اقداماتی در این زمینه انجام داده‌ایم. عمده کاری که ما کرده‌ایم دو چیز است: یکی شفاف‌سازی کامل در فعالیتهای خودمان؛ یعنی در همان مراحل مقدماتی، هر پروژه‌ای را که انجام داده‌ایم، در دست اقدام است یا می‌خواهیم انجام بدهیم اعلام می‌کنیم. این به نظر من اولین گام برای انجام کارهای موازی است چون در این مورد مؤسسات پرده‌پوشی می‌کنند، دلایل مختلفی هم وجود دارد. آنها احساس می‌کنند عنوان پروژه‌هایشان ممکن است مورد سوء استفاده قرار گیرد، محققانشان جذب جای دیگری بشوند، موفق به انجام پروژه نشوند و دهها دلیل دیگر که ما از این فضا گذشتیم یعنی احساس می‌کنیم اولین اقدام برای هماهنگ‌سازی، شفافیت در اطلاع‌رسانی است. نکته دوم اینکه با تماسهای مکرر که با سازمانهای مشابه و هم‌سو داریم سعی کردیم اطلاعات آنها را بگیریم و به یک تعریف متمایز و ممتاز از خودمان برسیم. لذا مراکز مشابه خودمان را در سه دسته کلی تقسیم‌بندی کردیم و با توجه به پیشینه و مزایای نسبی، تعریف خاصی از خودمان ارائه دادیم و در نهایت به یک تعامل فعال پرداختیم که البته این کاری بخشی است و مشکل اصلی کلان را حل نمی‌کند، برای حل معضل کلان هم از طریق دفتر تبلیغات اسلامی که سازمان مادر ما می‌باشد در نظام برنامه توسعه چهارم یک حضور فعال داشتیم. چون دفتر تبلیغات یکی از نهادهای فرهنگی و تنها نهاد حوزوی است که در نظام برنامه‌ریزی کشور حضور رسمی دارد. ما در آنجا پیشنهادهایی را به دولت و مجلس داریم که خوشبختانه تصویب شد. در ماده ۱۰۶ بند ب، دفتر تبلیغات مکلف شده بر اساس نیازهای نظام، حوزه دین‌پژوهی را ساماندهی کند و این وظیفه معاونت پژوهشی دفتر به عنوان ستادی است که باید این بانک اطلاعات را با همکاری همه نهادها شکل دهد که امیدوارم با همکاری همگان برای طرح

معمولاً به اینکه چه نوع سؤالاتی در جامعه مطرح است توجه داریم. ما خود یک حوزه ارتباطی یا مردم داریم و این از مزایای نسبی ماست که از طریق تبلیغ و مرکز پاسخ به سؤالات و شبهات، تعامل نزدیکی با مردم داشته بشیم

معمولاً به اینکه چه نوع سؤالاتی در جامعه مطرح است توجه داریم. ما خود یک حوزه ارتباطی یا مردم داریم و این از مزایای نسبی ماست که از طریق تبلیغ و مرکز پاسخ به سؤالات و شبهات، تعامل نزدیکی با مردم داشته بشیم

معمولاً به اینکه چه نوع سؤالاتی در جامعه مطرح است توجه داریم. ما خود یک حوزه ارتباطی یا مردم داریم و این از مزایای نسبی ماست که از طریق تبلیغ و مرکز پاسخ به سؤالات و شبهات، تعامل نزدیکی با مردم داشته بشیم

مسئولان اجرایی نظام به دلایل مختلف با حوزه پژوهش میانه‌ای ندارند. یکی از دلایل، اشتغالات فراوان اجرایی است. سیستم مدیریتی جمهوری، مدیریت عملیات است نه مدیریت راهبری لذا توجه به مقوله‌های نرم‌افزاری و زیرساختی وجود ندارد



این دو شکاف واقعی است و با تعاریف قابل حل نیست. من معتقدم تنها با ایجاد یک عقلانیت واسطه و یک جریان معرفتی سوم که حاوی وجوه مثبت هر دو حوزه معرفتی است و در عین حال آن مقدار خلاقیت در آن وجود دارد که چهارچوبهای نظری جدید و متدلوزیهای تازه را تأسیس کند، می توان این شکاف را از بین برد. این راه حل اصلی است یعنی تازمانی که مادر دو طرف یک مرز ایستاده ایم و احساس می کنیم که هر کدام از پایگاه خودمان در مقابل دیگری سخن می گویم این اختلاف باقی است. به تعبیر دیگر، عقلانیت مدرن و عقلانیت دینی یک شکاف تاریخی معرفتی پیدا کرده اند و برای پر کردن این شکاف باید یک کار نظری عمیق صورت بگیرد که طی آن نخبگان حوزه و دانشگاه باید با جسارت و جدیت و با قدرت علمی تمام و بدون تعارف، وارد آن بشوند.

به نظر من، هم انقلاب اسلامی فرصتهای تاریخی خوبی پدید آورده و هم در دو سه دهه گذشته مبنای نظری خوبی پدید آمده و زبان تفاهم و گفت و گو هم باز شده و ما از این فرصت تاریخی باید استفاده کنیم. ما به سهم خود در پژوهشگاه حرکت در این مسیر را تشویق می کنیم. کرسیهای نظریه پردازی که ما در مجموعه دفتر و پژوهشگاه برگزار کردیم به نظر من جزء کارهای موفق بوده یعنی توانستیم حوزه های فکری کاملاً رویاروی را در کنار هم به بحث علمی جدی بنشانیم. از بنیادها هم شروع کردیم یعنی هدف را عقلانیت دینی گذاشتیم؛ جریان فکر مکتب تفکیک با فلسفه اسلامی، جریان عرفان اسلامی باید گامهای رقیب، جریان طرفداران علم مدرن با مخالفان آن و... که به عنوان موضوع مناظرات جدی بوده اند و منتشر هم شده اند، به این هم اکتفا نکردیم و سر فصلهای ما به عنوان موضوعات پژوهشی جدید تعریف کردیم. این را در سال آینده به چند همایش بزرگ تبدیل می کنیم و در حد بضاعت اندک خودمان داریم به این سمت می رویم که زمینه تعامل مهیا شود. پژوهشگاه جزء محدود پژوهشگاههایی است که هم اساتید حوزه و هم اساتید دانشگاه در آن حضور فعال دارند و از نظر زبان مشترک، غالب محققان ما هم تحصیلات حوزوی و هم تحصیلات دانشگاهی در رشته تخصصی خودشان دارند و دیگر این اتهام که سواد علمی ندارد یا با مبنای دینی آشنا نیست وارد نیست. در نهایت، راه حل اصلی را طرح گفتمان تمدن نوین اسلامی و عقلانیت دینی جدید می دانیم که باید چهارچوب نظری این جریان فکری را شکل دهد. ما نیز در این جهت سرمایه گذاری جدی انجام دادیم.

**با توجه به این سطح نگاه، یعنی تمدن نوین اسلامی نمی توان حوزه تعامل را به داخل کشور محدود کرد. آیا نگاه جهانی در فعالیتهای شما وجود داشته است؟**

واقعه این است که اساساً در حوزه پژوهشهای دینی، نگاه بین الملل در دهه های گذشته غایب بوده است نمی گویم ضعیف بوده بلکه اصلاً

نیازها، دستگاه تولید دانش در کشور راه اندازی شود.

**ارتباط شما با سایر پژوهشگاهها چگونه و در چه سطحی بوده است؟ آیا پروژه مشترکی دارید؟**

ارتباط معمولی داریم اما پروژه مشترک نداریم. در سیاستهای پژوهشی این امر گنجانده شده که محور مشارکت را تقویت کنیم تا حدی که اطلاعاتی را در اختیار بگذاریم یا بگیریم یعنی در محصولات با هم تعامل کنیم. گاهی اوقات هم محققان نیازمند تعامل اند اما به یک چهارچوب مشارکت نرسیده ایم.

**چرا؟ چه موانعی داشته اید؟**

موانع بسیار است. به دلیل آنکه ما قواعد مشارکت را تعریف نکرده ایم دستگاهها نیز از انجام کارهای مشترک پرهیز می کنند. از حقوق مادی معنوی پروژهها که مشکلی جدی است، بحث نوع همکاریها که خیلی پیچیده است، طراحی موضوع، نظارت و ارزیابی گرفته تا انتشار آنها مشکل وجود دارد و اساساً فرهنگ سازمانی ما فرهنگ همکاریهای فرابخشی نیست. البته من معتقدم ما نباید الان همه چیز را به مشارکت بگذاریم و باید به مشارکتهای جزئی روی بیاوریم. مثلاً مشارکت در سرمایه گذاری یا تولید آثار نه در مدیریت؛ چرا که اینها امکان پذیر است.

**یکی از مشکلات موجود آزاداندیشی و تبادل نظریات است که هنوز شاهد نفسی مبنای یا میزان علمیت محققان حوزه و دانشگاه از طرف هم هستیم. برای رفع این معضل اساسی چه کرده اید؟**

اصل این مشکل، جدی است. راه حلی که ما پیشنهاد می کنیم تعامل فکری و همکاری نزدیک است. یعنی نزدیک کردن نخبگان علمی حوزه و دانشگاه در صحنه های فکری و نه در صحنه های عاطفی و تعارفی که مثلاً بیاییم یک هفته را به نام وحدت حوزه و دانشگاه بگیریم و به هم تعارفی بکنیم و بعد هم هر کسی برود سراغ کار خودش، نه! بلکه بیاییم روی موضوعات مشخص، ذهنیتهای حوزه و دانشگاه را با یکدیگر درگیر کنیم. نکته مهم تر و عمیق تر اینکه بیاییم زبان هر کدام از این دو حوزه را به حوزه دیگر منتقل کنیم یعنی زبان دانش انسانی مثلاً حقوق را به حوزه فقه وارد کنیم و بالعکس، یعنی هر دو گروه با فضا و چهارچوبهای نظری و روش شناختی یکدیگر آشنا شوند تا در حد امکان این زبان گفت و گو و تفاهم بالا برود.

در این شرایط است که معلوم می شود بسیاری از این برداشتها نادرست بوده اند و آن مقداری هم که دوست است زبان گفت و گو برای حل آن پیدا می شود. البته لایه عمیق تر از این - اگر بخواهیم جلوتر برویم - این است که ما واقعا باید به یک متدلوزی مشترک در تولید دانش برسیم. اینها که عرض کردم مرحله ای است یعنی نمی شود الان به این سومی رسید. واقعه این است که جامعه ما و جهان اسلام، امروز وارد دو عقلانیت و دو حوزه معرفتی و دو متدلوزی علمی شده است و شکاف



**فضای خوبی نیست ولی تلاش مادر راینیهایی که کرده ایم بر آن بوده است که این شرایط بهبود یابد. من به آینده این تعامل خوشبین هستم**

به کشور، تحولات حقوقی جهان اسلام (ترجمه) و...  
 برخی آثار آماده نشر دانش نامه اسلامی  
 تهیه پیش فرضهای فلسفی در علم اصول  
 مبنای عقلانیت فلسفی از تحلیف از قرارداد  
 حقوقی مانی راجین و...  
 برخی طرحهای در دست مطالعه فلسفه  
 علم اصول، بررسی فقهی حقوق محیط  
 زیست، روش استنباط احکامات، فلسفه  
 روابط اعتباری بین حدیث، جایگاه احکامات  
 حقوقی و اعتباری، بررسی فقهی حقوقی  
 جرایم مطهراتی، تأثیر اخلاقی بر اجتهاد،  
 بررسی روشهای پژوهشی حقوق حوزوی  
 جرم شناسی رایانه ای، تأثیر شرایط اجتماعی در  
 اجتهاد، روش شناسی علم رجال، رابطه جرم  
 و گناه، بررسی فقهی حقوقی ترافیک راه های  
 رایانه ای (کیبر ریاست)، مبنای مسئولیت فلسفی در  
 فقه شیعه، نظریه حق الطاعت، مبنای سیاست  
 جهانی حکومت اسلامی و...  
 برخی اولیاد پژوهشگاه علوم و اندیشه  
 سیاسی  
 برخی آثار منتشر شده: جایگاه سیاسی  
 علم دینی در دو مکتب اجتهادی و اصولی،  
 اسلام و جهانی شده ساختار نظری فلسفه  
 سیاسی اسلام (ترجمه)، اندیشه سیاسی علم  
 اجتماعی، چرایی فلسفه سیاسی در حوزه  
 تمدن اسلامی، فلسفی تعریف از اندیشه  
 سیاسی اسلام، اندیشه سیاسی آیه الله مطهری  
 اندیشه سیاسی نیکوکار، نهادهای سیاسی اسلامی  
 (ترجمه) و...  
 برخی آثار آماده نشر: فلسفه اصول در مبنای



**راه حل اصلی را طرح گفتمان تمدن نوین اسلامی و عقلانیت دینی جدید می دانیم**



نرسیده و علاوه بر این، نگاههای کلان بنیادی و فراگیر هم خیلی ضعیف بودند. ما تلاشمان بر این بوده است که این نقطه ضعف را جبران کنیم. در باب نگاه هدفمند، ما به دنبال تأمین زیرساختهای فکری تمدن اسلامی در افق آینده‌ایم و برای این کار دو جهت پژوهشی باید فعال شود: یکی حوزه مطالعات راهبردی و بنیادین که بتواند مفاهیم اساسی این حوزه را تبیین کند و اصول و چهارچوبهایش را پایه‌ریزی نماید و به سمت توسعه دانشهای موجود یا تأسیس دانشهای جدید برود و جهت دوم کاربردی کردن این مفاهیم در صحنه فرهنگ عمومی و عینی کردن آنها در بستر اجتماعی است. یعنی اگر آن چهارچوبهای نظری نتواند به مفاهیم عملیاتی تعریف شود و برنامه اجرایی و عینی از آن استخراج شود باز ما موفق به زیرسازی تمدن اسلامی نخواهیم بود. در بخش مطالعات بنیادین، توفیق خوبی چه در حوزه فلسفه و کلام، چه فقه و اصول و چه علوم سیاسی و مطالعات قرآنی ... داشته‌ایم اما در بخش دوم یعنی تبدیل اینها به مطالعات عینی و کاربردی این نگاه ضعیف‌تر بوده است. ما به تعبیر خودمان می‌گوییم ما به دو حوزه می‌پردازیم یکی حوزه اندیشه‌سازی که بخش علوم به عنوان پژوهشگاه ناظر به آن است و یکی حوزه فرهنگ‌سازی که عنوان فرهنگ برای آن آمده است. در حوزه بین‌الملل از سه سال پیش مطالعاتی را انجام داده‌ایم و مقدماتش را شروع کرده‌ایم که البته به دلیل متولیان زیاد این حوزه ورود ما در آنجا با مشکلاتی همراه بوده است ولی تصمیم گرفتیم وارد بشویم. اولین کاری هم که کردیم ارتباط با نخبگان و مؤسسات علمی خارج از کشور بوده است. یک استراتژی زمان‌بندی شده تعریف کردیم که تا پایان سال ۸۴ نگاه ملی را در پژوهشگاه نهادینه کنیم و در سال ۸۵ برنامه ارتباط با کشورهای عربی اسلامی گنجانده شده است که مقدماتش را نیز فراهم کرده‌ایم.

#### با چه کشورهایی ارتباط برقرار کرده‌اید؟

بعد از بررسیهایی که انجام دادیم احساس کردیم حوزه نفوذمان الان یکی در عراق است و دیگری لبنان، یعنی دو پایگاه اصلی و اولیه برای ارتباط، به دلیل دسترسی ساده‌تر و زمینه‌های فعال‌تر تعامل، این دو کشور خواهند بود. در عراق ارتباطات و بازدیدهایی داشته‌ایم ولی به دلیل مشکلات سیاسی نظامی آنجا هنوز به نتایج جدی نرسیده‌ایم. در لبنان با چندین مؤسسه مهم و شخصیت‌های علمی گفت‌وگو کردیم و کانال ارتباطی را هم از طریق رایزنی جمهوری اسلامی ایجاد کردیم یعنی یک معبر رسمی را تعریف کردیم که نقش واسطه را ایفا کند. برای سال آینده تعریف پروژه‌های مشترک، ترجمه آثارمان به زبان عربی برای چاپ در لبنان و نیز چند نشست مشترک موضوعی که پیش‌بینی کرده‌ایم که در شش موضوع مبتلا به جهان اسلام مشخص و برگزار خواهند شد.

همان طور که مستحضرید یکی از مشکلات ما عدم ارتباط نخبگان و پژوهشگران جوان است،

#### برای جذب طلاب مستعد چه کرده‌اید؟

این موضوع بسیار مهم است. ما اعتقادمان این است که نخبگان نسل سوم حوزه، بیشترین سهم را در نوسازی و بازسازی دانشهای دینی ایفا خواهند کرد. نسل اول بیشتر به تثبیت جایگاه انقلاب می‌پردازد. نسل دوم چهارچوبهای نظری و نهادی را عمدتاً فراهم می‌کند و این نسل سوم است که عهدمدار ورود به موضوعات جتنی است و در واقع تولید نظریه در درون این نسل اتفاق خواهد افتاد. لذا نکته اول این است که زمینه فعالیت این نخبگان جوان را فراهم کنیم و در این زمینه هم سعی کنیم با مسامحه عمل کنیم، تا میدان جرئت و جسارت علمی برای این افراد فراهم شود. نکته دیگر، ایجاد هسته‌های علمی پیش از ورود به فعالیتهای پژوهشی جدی است که برای این کار به نظر می‌رسد که ابتدا باید کارگاههای پژوهشگری شکل بگیرد تا فارغ التحصیلان خوب و مستعد حوزه و فضایی جوان در آنها به فعالیتهای علمی بپردازند و زمینه‌ها و بسترهای مطالعات عمیق جدی را پیدا کنند چرا که یکی از ضعفهای عمده موجود در مراکز پژوهشی ما فاصله میان آموزش و پژوهش است. فردی از نظام پژوهشی بیرون می‌آید و مستقیماً وارد یک موضوع پژوهشی می‌شود بدون آنکه اصلاً جغرافیای آن را بشناسد و با ابعاد کار و تجربه گذشتگان آشنا باشد. این دوران گذار بین آموزش و پژوهش وجود ندارد لذا شاهد پژوهشهای خام و نگاههای یک سو نگر هستیم. ما تصور می‌کنیم هسته‌های مطالعات تخصصی می‌تواند این فرصت را برای نخبگان جوان پدید بیاورد که هم با تجربیات گذشته آشنا بشوند و هم پختگی لازم را پیدا کنند. البته اولویت جذب هیئت علمی و محققان رسمی با محققان جوان است و همین امسال نیمی از جذب منابع انسانی ما به این عزیزان اختصاص داده شده است.

#### این هسته‌هایی که گفتید شکل گرفته‌اند؟

بله. البته ما در طرحمان پنج هسته علمی دیده شده بود که به دلایل مختلف دو هسته را بیشتر فعال نکردیم و سومی هم دارد فعال می‌شود. یکی هسته غرب‌شناسی است که محور اصلی بحث آن اسلام و مدرنیسم از منظر همین نگاه تمدن یعنی مطالعات تطبیقی بین تمدن اسلام و تمدن غرب است. این هسته سه سال است شروع به کار کرده و جمعی از فضایی جوان در آن فعالیت می‌کنند و در حال ورود به مطالعات عمیق هستند. یک هسته دیگر نیز هسته اخلاق و تربیت اسلامی است که به منظور گرایش علمی بخشیدن به اخلاق ایجاد شده است. متأسفانه اخلاق در حوزه معرفتی ما به مجموعه‌ای از موعظه‌ها تغییر می‌شود حال آنکه ما معتقدیم اخلاق یک دانش است با همه ویژگیهای آن. لذا برای احیای اخلاق در علوم اسلامی و توسعه آن متناسب با نیازهای روز، هسته‌ای را تشکیل دادیم و خوشبختانه با رشد مناسبی که داشته امروز به گروه تخصصی اخلاق و تربیت تبدیل شده است. گروه سوم هم روی بحث روان‌شناسی کاربردی



ساخت محاسباتی دولت اسلامی، مردم‌سالاری دینی، وجود سیاسی، فلسفه شیخ الرزاق، دین در غرب، جمهوری (ترجمه)، بررسی تطبیقی نظریه جامعه‌شناسی...

برخی از پژوهش‌های در دست تحقیق شرح رساله‌های این هیئت علمی، هیئت علمی فقه اسلامی، کتابخانه تخصصی اندیشه سیاسی اسلامی، اندیشه سیاسی آیه الله العظمی خرمی، فلسفه اخلاق و فقه، اندیشه فلسفه سیاسی شهید صدر...

مجموعه‌های پژوهش‌های تاریخ و سوره...

برخی از آثار منتشر شده: تاریخ تحول دولت و خلافت، قرآنی پس از قرآن، سبک‌نگاری و تاریخ‌نگاری، حلقه‌های پسر و پسران، حلقه‌های پسران، حلقه‌های پسران، حلقه‌های پسران...

برخی از پژوهش‌های در دست تحقیق...

ساخت محاسباتی دولت اسلامی (ترجمه)، مردم‌سالاری دینی، وجود سیاسی، فلسفه شیخ الرزاق، دین در غرب، جمهوری (ترجمه)، بررسی تطبیقی نظریه جامعه‌شناسی...

برخی از پژوهش‌های در دست تحقیق شرح رساله‌های این هیئت علمی، هیئت علمی فقه اسلامی، کتابخانه تخصصی اندیشه سیاسی اسلامی، اندیشه سیاسی آیه الله العظمی خرمی، فلسفه اخلاق و فقه، اندیشه فلسفه سیاسی شهید صدر...

مجموعه‌های پژوهش‌های تاریخ و سوره...

برخی از آثار منتشر شده: تاریخ تحول دولت و خلافت، قرآنی پس از قرآن، سبک‌نگاری و تاریخ‌نگاری، حلقه‌های پسر و پسران، حلقه‌های پسران، حلقه‌های پسران، حلقه‌های پسران...

برخی از پژوهش‌های در دست تحقیق...

تنها با ایجاد یک عقلانیت واسطه و یک جریان معرفتی سوم که حاوی وجوه مثبت هر دو حوزه معرفتی است و در عین حال آن مقدار خلاقیت در آن وجود دارد که چهارچوبهای نظری جدید و متداولیهای تازه را تأسیس کند، می‌توان این شکاف را از بین برد. این راحل اصلی است

جامعه ما و جهان اسلام، امروز وارد دو عقلانیت و دو حوزه معرفتی و دو متدلوژی علمی شده است و شکاف این دو شکاف واقعی است





